

## بررسی هوش معنوی از دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی

حبیبه ابوطالبی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف محقق در این مقاله، بررسی هوش معنوی از دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی با استفاده از روش تحقیق تاریخی - کتابخانه‌ای بوده است. هوش معنوی هوشی است که به وسیله آن ما مشکلات معنایی و ارزشی را حل کرده و به آن‌ها می‌پردازیم. هوشی است که از طریق آن ما می‌توانیم فعالیت‌ها و زندگی‌مان را در فضایی غنی‌تر، وسیع‌تر و بامعنا تر قرار دهیم و تعیین کنیم کدام یک از روش‌های زندگی معنای بیشتری دارد. این تعریف، همچنین به رابطه هوش معنوی داشتن احساس ارتباط با یک کل بزرگ‌تر و عظیم‌تر اشاره دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هوش معنوی به واسطه کنش آن در یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، می‌بایست بهتر از این دو هوش گسترش یابد این کنش یکپارچه کننده هوش معنوی تعامل بین فرآیندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را دارد که نتیجه تعامل آن‌ها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه موجب رشد و دگرگونی شخصی شود.

**واژگان:** هوش، هوش معنوی، خودشناسی، صاحب‌نظران علوم تربیتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت‌گرا - اسلامی، دانشگاه آزاد ساری، n.abotalebi@yahoo.com

مقدمه

هوش معنوی در ارتباط با مسائلی است که ما به آن ها اعتقاد داریم و نقش باورها، عقاید و ارزش ها را در فعالیت هایی که برعهده می گیریم، مدنظر قرار می دهد. محققان هوش معنوی را به شکل های متفاوتی تعریف کرده اند که تمام این تعاریف به مساله انعطاف پذیری در برابر تغییرات، درس گرفتن از شکست ها، داشتن معنا و هدف در کارها و فعالیت ها، خلاقیت، نوآوری و توسعه سازمان و خودآگاهی اشاره می کنند. هوش معنوی زمانی خود را نشان می دهد که افراد بتوانند زندگی خود و تمام کارها و فعالیت هایشان را با معنویت تلفیق کنند. در واقع هوش معنوی ظرفیتی است برای پرسیدن سوالات غایی درخصوص معنای زندگی، ظرفیتی است برای ارتباطات بین افراد و جهانی که در آن زندگی می کنند. این هوش، توانایی به کارگیری ارزش ها و کیفیت های معنوی است، به طوری که منجر به ارتقای سلامت روحی و جسمی افراد شود (سهرابی، ۱۳۸۷).

هوش معنوی میزان استعداد هرانسان در فهم بعد غیرمادی وبه عبارتی - من - هر انسان و میزان توانایی او در ارتباط با خدا و حرکت به سوی اوست. لذا، برای تشخیص میزان هوش معنوی هر فرد باید مولفه های زیر را در نظر گرفت:

- خودشناسی فرد
- هدفمندی وی در زندگی
- تفکر و تعمق او در هستی
- اراده و اختیار در تشخیص

اما مهم ترین ویژگی که می توان براساس آن استعداد هوش معنوی یک انسان را با آن سنجید میزان (از خودگذشتگی) و نداشتن منیت است. بر اساس آنچه از دین و کلمات اهل معرفت به دست می آید به هر اندازه که یک انسان بتواند از خود بگذرد و خودش را خدایی کند بی شک هوش معنوی بالاتری دارد. این هوش برخلاف هوش عقلانی که کامپیوترها هم از آن بهره مندند و نیز هوش عاطفی که در برخی از پستانداران رده بالا دیده می شود، خاص انسان است. هوش معنوی زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آن ها اعتقاد و باور داریم. سوال های جدی در مورد اینکه از کجا آمده ایم، به کجا می رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نموده های هوش معنوی است. این هوش برای کارکرد اثربخش هوش عقلانی و هوش عاطفی ضرورت دارد. در واقع هوش عقلانی دروازه ورود فرد برای کسب موفقیت در رشته تحصیلی مورد علاقه اش است، اما آنچه او را در زمره بهترین ها در شغل و حرفه او قرار می دهد، هوش عاطفی است. بهره مندی از حداقل هوش عاطفی آغاز راه سفر به سوی معنویت، خودآگاهی و هوش معنوی است که خود موجب تقویت هوش عاطفی می شود. از طرف دیگر، هوش عاطفی نیز می تواند در رشد و ارتقای هوش

معنوی موثر باشد. دو هوش عاطفی و هوش معنوی تأثیری مستقیم و مثبت بر یکدیگر دارند. رشد و توسعه هر یک باعث پرورش و توسعه دیگری می شود (رجایی، ۱۳۸۹).

با توجه به موارد مطرح شده فوق، هدف محقق در این مقاله، بررسی هوش معنوی از دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی با استفاده از روش تحقیق تاریخی - کتابخانه‌ای بوده است.

### تعاریف هوش معنوی

ادواردز<sup>۱</sup> معتقد است داشتن هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. این تمایز، فاصله میان دانش عملی و دانش نظری را مطرح می‌کند. لذا، نباید داشتن دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین‌های آن‌ها را هم ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست، هر چند می‌توان گفت برای بهره‌مندی مؤثر از معنویت، داشتن توأمان دانش نظری و عملی لازم می‌باشد. تحقیقات زیادی در حیطه رشد و تحول هوش معنوی صورت نگرفته است و نیازمند تحقیقات تجربی کیفی است، ولی می‌توان گفت که ظرفیت این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و در اثر برخورد با محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را برمی‌انگیزاند، به تدریج تحول یافته و شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد سن و جنسیت نیز در هوش معنوی اثرگذار باشند. در همین ارتباط یونگ<sup>۲</sup> معتقد است که در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشند. همچنین، بعضی از محققان، از جمله یونگ، معتقدند که در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می‌گیرد (ساغروانی، ۱۳۸۸).

### انواع هوش معنوی

بهره هوشی یا آی کیو<sup>۳</sup>، عموماً هوش تحلیلی ریاضی یا هوش زبان شناختی نامیده می‌شود به دنبال آن ابزارهای سنجش موسوم به آزمون‌های هوش برای اندازه‌گیری توانایی‌های ذهنی افراد ساخته شد. در آغاز انتظار می‌رفت که بهره هوشی پیش‌گویی قوی در زمینه موفقیت در مشاغل و پیشرفت تحصیلی باشد، اما درحقیقت بهره هوشی در زمینه پیش‌گویی‌های یادشده چندان موفق نبود و این‌گونه برداشت شد که به ظاهر بهره هوشی برای وارد شدن به چنین زمینه‌هایی با حداقل استانداردها در ارتباط است. به دنبال مشخص شدن آثار بهره هوشی بر جنبه‌های احتمالی و نه الزامی در موفقیت‌های فرد در عرصه‌های گوناگون زندگی، نگره‌هایی مطرح شد از جمله هوش هیجانی، هوش چندگانه و هوش معنوی. گاردنر مدلی جالب در مورد هوش ارائه کرد. او در نگاره‌های هوش‌های هشت‌گانه خود، دست کم هشت گونه هوش را بر می‌شمارد. زبانی،

1. Edwards

2. Young

3. Intelligence Quotient (IQ)

موسیقایی، منطقی، ریاضی، فضایی، جنبشی بدنی، بین فردی و درون فردی. گاردنر (۲۰۰۰) از هوش طبیعی و همچنین از احتمال وجود هوش وجودی صحبت به میان آورد. اما، به این نوع هوش با دیده شک نگاه کرده است (رجایی، ۱۳۸۹).

### هوش معنوی از نظر زوهار و مارشال

هوش معنوی هوشی است که به وسیله آن ما مشکلات معنایی و ارزشی راحل کرده و به آن‌ها می‌پردازیم. هوشی است که از طریق آن ما می‌توانیم فعالیت‌ها و زندگی‌مان را در فضایی غنی‌تر، وسیع‌تر و بامعناتر قرار دهیم و تعیین کنیم کدام یک از روش‌های زندگی معنای بیشتری دارد. این تعریف، همچنین به رابطه هوش معنوی داشتن احساس ارتباط با یک کل بزرگ‌تر و عظیم‌تر اشاره دارد. همچنین هوش معنوی به واسطه کنش آن در یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، می‌بایست بهتر از این دو هوش گسترش یابد این کنش یکپارچه کننده هوش معنوی تعامل بین فرآیندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را دارد که نتیجه تعامل آن‌ها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (زوهار و مارشال، ۲۰۰۰).

زوهار و مارشال در مقایسه هوش عقلایی، هوش عاطفی و هوش معنوی با یکدیگر جدول زیر را ارائه داده اند (ساغروانی، ۱۳۸۸):

جدول ۱: مقایسه هوشهای سه گانه طبق زوهار و مارشال (ساغروانی، ۱۳۸۸)

هوش	کارکرد	سرمایه
هوش عقلانی	آنچه فکرمی کنم	سرمایه مادی
هوش عاطفی	آنچه احساس می‌کنم	سرمایه اجتماعی
هوش معنوی	آنکه هستم	سرمایه معنوی

هم‌چنین، زوهار و مارشال ویژگی‌های افراد دارای هوش معنوی را چنین بر شمرده اند:

- **خودآگاهی:** یعنی این که شما واقعا بدانید که هستید و می‌دانید که با کل جهان مرتبط هستید.
- **ایده‌آل بودن:** طبیعت انسان نشان می‌دهد که او طبیعتاً می‌خواهد خدمت کند و این ایده تعیین کننده انسانیت او است.
- **ظرفیت روبرو شدن با سختی‌ها و مشکلات:** اقرار کردن به اشتباهات و قدرت مقابله با دردها و سختی‌ها را دارد.
- **کمی‌نگر نبودن:** قدرت دید ارتباط بین اشیا، بسط دادن و علاقمند بودن به همه چیز را دارد.

- **تحسین کردن، تنوع در جهان و پیشرفت کردن:** وقتی به سوی تو نگاه می کنم و آن تفاوتی که در تو وجود دارد را می بینم، می گویم خدایا متشکرم یعنی خدا را به خاطر تنوع در جهان شکرگذاری می کند.
- **عرصه آزادی و جرات:** توانایی ایستادگی در برابر جمع و هم رای نشدن با عامه مردم را دارد.
- **گرایش به پرسیدن چرا:** سوالات نامحدودند و با پرسیدن است که واقعیت به وجود می آید و معلوم می شود.
- **توانایی بیان کردن چیزی:** قراردادن چیزها در متن یا زمینه بزرگتر.
- **ناگهانی:** این عمل از روی خیال نیست. این کلمه از ریشه های شبیه لاتین می آید، مانند واکنش و مسئولیت، این قضیه مربوط به ترس نیست، بلکه متناسب با واکنش نسبت به جهان است. تعاملی که فرد با جهان هستی دارد.
- از سویی، ویژگی های معنوی افراد باهوش معنوی کمتر طبق زوهار و مارشال عبارتند از:
  - وقتی کارها درست پیش نروند، آن ها دیگران را مسئول می دانند چون می ترسند شهرت و مقامشان و تصدیق دیگران را از دست دهند.
  - آن ها به شغلشان وابسته می شوند و این گونه احساس امنیت می کنند.
  - به آسانی از محیط و تغییر جهانی به لحاظ شخصی آسیب می بینند و تهدید می شوند.
  - هنوز در جستجوی عشق و شادی از دیگران و جهان می باشند.
  - تمایل دارند کار یا مکانی که مجبورند برای کسب پول به آنجا روند را وحشتناک فرض کنند.
  - آن ها تمایل دارند زندگی را خیلی سخت بگیرند؛ چون معتقدند کار و تجارب عمل سختی است و از زندگی می ترسند(عبداله زاده و دیگران، ۱۳۸۸).
- در مقابل، ویژگی های افراد باهوش معنوی بیشتر عبارتند از:
  - آن ها می دانند نژاد، جنس، ملیت، نظام فکری و غیره برچسب هایی هستند نه آنچه که واقعاً مهم است.
  - آن ها دیگران را به خاطر چیزی سرزنش نمی کنند و همواره مسئولیت عملکردهایشان را بر عهده می گیرند.
  - چیزی برای از دست دادن ندارند چون نمی توانند مالک چیزی باشند.
  - برای رضایت از خودشان نیازی به تصدیق و تایید دیگران ندارند.
  - از تمام وابستگی ها به دیگران برای ایمنی، رها هستند، چون ایمنی از خودشان است نه بیرون.

- احساس امنیت آن‌ها براساس توانایی‌ها، پایداری و ویژگی‌های درونی انسانیشان است. برای مثال چیزی که می‌توانند بدست آورند نه چیزی که دیگران می‌توانند به آن‌ها بدهند.
- آن‌ها براساس خدمت‌رسانی به دیگران زندگی می‌کنند.
- درک کرده‌اند که تنها برای گسترش ظرفیت شخصی‌شان، دوست داشتن، بخشیدن دیگران و خدمت‌رسانی به دیگران است. وقتی این کارها را انجام می‌دهند ارزش زیادی برای آن‌ها قائل‌اند.
- هرگز با تغییرات دنیای اطرافشان آسیب‌پذیر نمی‌باشند، چون این تغییرات را دنیا انجام می‌دهد.
- آن‌ها دریافته‌اند چیزی که در جهان جستجو می‌کنند (آرامش، عشق، قناعت و غیره) از درون خودشان است و چیزی نیست که از دست برود.
- آن‌ها کار را مکانی برای خلاقیت، اعتماد به نفس و یادگیری و جایی که پول و پاداش ثانویه است، می‌دانند.
- آن‌ها افراد محیط کار را به عنوان انسان‌هایی با قوت، ضعف، نگرانی، نیازها و خواسته‌های خودشان در نظر می‌گیرند، روابط همواره قبل از کار است.
- آن‌ها تمایل دارند زندگی شفاهی به عنوان یک بازی، فرصتی برای بازی کردن و خلق کردن داشته باشند (پورکیانی و اشجعی، ۱۳۹۱).

### هوش معنوی از نظر ایمنوز

ایمنوز (۲۰۰۰) تعریف گاردنر از هوش را ترسیم نموده و معتقد است که معنویت می‌تواند به عنوان شکلی از هوش مورد بحث قرار گیرد، چراکه هوش معنوی، نه تنها معنویت، بلکه میزان انطباق‌پذیری افراد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را به فرد می‌دهد که او را برای حل مسائل و دستیابی به اهداف قادر می‌سازد. در حقیقت (غباری بناب، سلیمی، سلیمانی و نوری مقدم، ۱۳۸۶):

۱) هوش معنوی نوعی هوش غایی است که مسایل معنایی و ارزشی را به ما نشان داده و مسائل مرتبط با آن را برای ما حل می‌کند. هوشی است که اعمال و رفتار ما را در گستره‌های وسیع از نظر بافت معنا جای می‌دهد و همچنین معنا دار بودن یک مرحله از زندگی‌مان را نسبت به مرحله دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲) هوش معنوی ممکن است در قالب ملاک‌هایی چون صداقت، دلسوزی، توجه به تمام سطوح هوشیاری، همدردی متقابل، وجود حسی مبنی بر این که نقش مهمی در یک کل وسیع‌تر دارد، بخشش و خیرخواهی معنوی و عملی، در جستجوی سازگاری و هم‌سطح شدن با طبیعت و کل هستی، راحت بودن در تنهایی بدون داشتن احساس تنهایی و غیره مشاهده شود.

۳) افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بالایی نسبت به هوشیاری دارند. آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت‌های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص بدهند و فضایی مانند بخشش، سپاسگزاری، فروتنی، دلسوزی و خرد از خود نشان دهند.

در مجموع، هوش معنوی ذهن را روشن و روان انسان را با بستر زیربنایی وجود مرتبط می‌سازد، به فرد کمک می‌کند تا واقعیت را از خیال (خطای حسی) تشخیص دهد. این مفهوم در فرهنگ‌های مختلف به‌عنوان عشق، خردمندی و خدمت مطرح است.

### هوش معنوی از نظر تعریف لوین

تعریف لوین (۲۰۰۰) از هوش معنوی با تعاریف دیگران هم خوانی دارد. از نظر او، هوش معنوی زمانی بروز می‌کند، که ما به طریقی بتوانیم معنویت را با زندگی روزانه خود تلفیق نماییم. او معتقد است که افزایش هوش معنوی، نیازمند شناخت ما از ارتباط با کل هستی است و همچنین نیازمند ظرفیتی است برای بهره برداری از ادراکی که فراتر از حواس پنج گانه ماست و شهود را در برمی‌گیرد که این فراتر از هوش عقلایی، خطی و تحلیلی ما است (ساغروانی، ۱۳۸۸).



### هوش معنوی از نظر تعریف مک هاواک

دیدگاه مک هاواک<sup>۱</sup> در مورد تفاوت هوش معنوی و هوش متعارف (عمومی) در جدول زیر نشان داده شده است (نازل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

جدول ۲: مقایسه هوش معنوی و هوش متعارف از دیدگاه مک هاواک (نازل، ۲۰۰۴)

هوش معنوی	هوش متعارف
اختصاصی	غیراختصاصی
معنایی <sup>۳</sup>	نمادین <sup>۴</sup>
متمایز کننده	متحد کننده <sup>۵</sup>
کنترل کننده خود <sup>۶</sup>	شکوفا کننده خود <sup>۷</sup>
کمی	کیفی
مادی	معنوی
عقل	شهود <sup>۸</sup>

### هوش معنوی از نظر تعریف سیندی ویگلزورث

ویگلزورث<sup>۹</sup> (۲۰۰۴) معتقد است هوش معنوی برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و سوال هایی مانند آیا شغل من باعث تکامل من در زندگی می‌شود؟ و یا آیا من در شادی و آرامش روانی مرده سهیم هستیم؟ را در ذهن ایجاد می‌کند (سهرابی، ۱۳۸۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. MacHovec

۲. Nasel

3. Semantic

4. Symbol

5. Unify

6. self-control

7. Self- actualization

8. Intuition

9. Wigglesworth



## هوش معنوی از نظر آمرام

آمرام (۲۰۰۷) یک تئوری بنیادی جهانی در خصوص هوش معنوی ارائه نمود. او با ۷۱ نفر از پیروان سنت های مختلف معنوی (اسلام، بودیسم، مسیحیت، بت پرستی، صوفی، هندوئیسم) که از نظر اطرافیانشان هوش معنوی داشتند، مصاحبه کرد. از مصاحبه شوندگان خواسته شده بود توضیح دهند:

- چگونه معنویتشان را براساس اعمال روزانه افزایش می دهند؟

- معنویت چگونه کار و روابط آنها را شکل می دهد؟

- چگونه از معنویت برای انجام وظایف روزانه خود کمک می گیرند؟ آمرام با استفاده از تحلیل کیفی این مصاحبه‌ها، مدلی از هوش معنوی با هفت بعد و زیر شاخه‌های آن ارائه کرد. بر این اساس، هوش معنوی متشکل از ابعاد زیر به همراه زیرشاخه‌های آن است.

### • رشد یافتن آگاهی و خود آگاهی در فرد

- **دقت:** شناخت آگاهانه خویشتن و زندگی به همراه دقت و هدف روشن به گونه‌ای که فرد هوشیار بوده و در لحظه حال زندگی کند.

- **آگاهی فراعقلانی:** فرا رفتن از عقلانیت از طریق تلفیق تناقضات و استفاده از موقعیت‌های متعدد هوشیاری از جمله نیایش، سکوت، شهود، مراقبه. گاهی اوقات ما انسان‌ها با تناقضاتی روبرو می شویم که عقل ما از تحلیل آن‌ها عاجز است، در این زمان است که با استفاده از شهود به آگاهی فراعقلایی دست می‌یابیم. در واقع زمانی که دیدگاه خود را به عنوان تنها چیزی که درست است در نظر می‌گیریم، آن زمان است که تضادها ایجاد می‌شود. البته این به معنای کنار گذاشتن منطق نمی‌باشد، بلکه به معنای این است که شهود را نادیده نگیریم.

- **عمل:** انجام فعالیت های گوناگون جهت رشد و بهبود آگاهی و معنویت، این فعالیت ها می تواند شامل بازبینی کردن خود، نماز خواندن، مراقبه و سکوت باشد.

### • متانت

زندگی کردن به شیوه‌ای منطبق با روحانیت و داشتن عشق و اعتماد به زندگی شامل:

- روحانیت: پیوستن به نیروی زندگی و طبیعت.

- عشق: محترم شمردن و گرمی داشتن زندگی همراه با شکرگزاری، سرزندگی و لذت بردن و زیبایی.

- توکل داشتن چشم انداز امیدوارانه و خوشبینانه براساس ایمان و توکل.

• **معنا:** درک معنای فعالیت‌های روزانه حتی در هنگام رویارویی با درد و رنج‌ها.

- **تعالی:** فرا رفتن از خود و احساس اتصال با مردم و طبیعت شامل:
  - ارتباط کامل، متقابل و مستقیم به شیوه ای عقلایی: رشد ارتباطات به همراه پذیرش، احترام، یکدلی، دلسوزی و رحم، مهربانی، سخاوت.
  - کلنگری: داشتن دیدگاه سیستمی به طوری که باعث درک وجود اتحاد و رابطه متقابل میان تفاوت‌ها و تنوع‌ها می‌شود.
- **صداقت:** زندگی به همراه کنجکاوی، پذیرش و عشق به همه موجودات، شامل:
  - پذیرش: بخشودن، عشق ورزیدن و در آغوش گرفتن آنچه که منفی است.
  - باز بودن (گشودگی): داشتن ذهن باز، کنجکاوی، احترام به سنن گوناگون.
- **رها کردن در عین داشتن آرامش**
  - آرامش: تعادل فکری، پذیرش خویشتن، رحم کردن به خود و تمرکز داشتن
  - خودخواهی: فروتنی کردن، کاستن از غرور بیهوده و خودپرستی و داشتن تواضع بیشتر.
- **ثبات قدم:** درون وابستگی یا ثبات قدم عبارت است از آزادی درونی به همراه فعالیت معقول، شامل:
  - آزادی: رها شدن از شرطی سازی، ترس، وابستگی و داشتن جرات، خلاقیت و شادمانی و نیاز کمتر به تایید دیگران، در واقع تحریک شدن از درون و نه از بیرون.
  - تشخیص: درک حقیقت و راستی با استفاده از آگاهی.
  - درستی: درست عمل کردن، با مسئولیت بودن و پیوستن به ارزش‌ها (ساغروانی، ۱۳۸۸).

### هوش معنوی از نظر ساغروانی

مدل ارائه شده از سوی ساغروانی (۲۰۰۹/۱۳۸۸) «سه اس» است که در زبان فارسی گاهی «سه خ<sup>۱</sup>» نیز نامیده می‌شود. براساس این مدل، افراد دارای هوش معنوی بالا، از توجه متعادل، متناسب و همزمانی به عوامل زیر برخوردار هستند:

- ۱) خداوند (منبع آفرینش<sup>۲</sup>)
- ۲) خلق (محیط<sup>۳</sup>)
- ۳) خود (خویشتن<sup>۴</sup>) (ساغروانی، ۱۳۸۸).

۱- در دین اسلام نیز اشاره شده است: حق الله (خدا)، حق النفس (خود)، حق الناس (خلق).

۲. Source of creation

۳. Urroundings

۴. self

### مقایسه هوش معنوی با هوش‌های دیگر

در میان تحقیقاتی که نوع‌های مختلف هوش را کشف کرده‌اند هوارد گاردنر (۱۹۹۳) پیشقدم کار بر روی هوش‌های چندگانه در هاروارد است که به مردم کمک کند بفهمند هوش چندگانه است. تحقیقات گاردنر دلالت بر انواع متفاوت هوش که نسبتاً مستقل از یکدیگر رشد می‌کنند و هر مهارت ناحیه مخصوصی از مغز است که بالاترین سطح آن هوش معنوی است، که در شکل ۱، نشان داده شده است.



- **هوش بدنی<sup>۱</sup>:** این نوع هوش، ابتدایی‌ترین کانون توجه ما را به خود اختصاص داده است و شامل توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن و استفاده از اشیاء می‌باشد.
- **هوش عقلانی:** مربوط به مهارت‌های منطقی و زبان شناسی ما است که بیش از سایر هوش‌ها در سیستم آموزشی مورد توجه است.
- **هوش هیجانی:** در برقراری ارتباط به ما یاری می‌دهد و تا حدی از قابلیت پیش‌گویی برخوردار است. همچنین، بیانگر توانایی همدلی با دیگران و شنیدن احساسات دیگران است.

---

۱. physical intelligence (PQ)

■ **هوش معنوی:** شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکردی همراه با بصیرت و ملایمت و مهربانی می باشد و توانایی به دست آوردن قدرتی که ما را برای رسیدن به رویاهایمان یاری می دهد (عبداله زاده و دیگران، ۱۳۸۸).

#### جایگاه زیستی - عصب شناختی هوش معنوی

دیدگاه غالب درباره ذهن، انسان را دارای گروهی از توانایی ها و استعدادها می داند که می تواند وظیفه و تکلیف های شناختی خود را انجام دهد. به سخن دیگر، توانایی های شناختی برای مدیریت گونه هایی ویژه از اطلاعات پدید آمده اند و بدین سان بیشتر معرفت های انسانی دارای قلمرو ویژه در مغز آدمی است (فئودور<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از زوهارو مارشال، ۲۰۰۰).

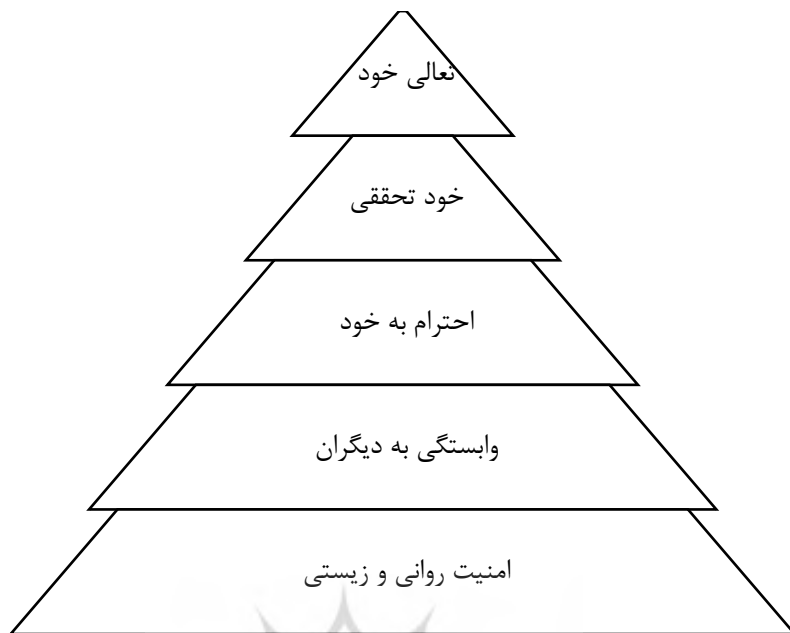
بنابراین، با چنین توصیفی از قلمروهای ذهنی، می توان مجموعه ای خودپا از دانش در ترکیب ذهنی داشت که به فرد توانایی حل مسئله معنایی و ارزشی زندگی را بدهد. پژوهش های بویر<sup>۲</sup> (۱۹۹۴؛ به نقل از زوهارو مارشال، ۲۰۰۰) نیز نشان داده است که قلمروهایی ویژه وجود دارند. هم چنین، بررسی ها نشان داده است که فعالیت های لب های گیجگاهی مغز انسان با تجربه های معنوی او پیوستگی بسیار دارد. به طوری که لب های گیجگاهی به سیستم های کناری، یعنی کانون حافظه ای و هیجانی مغز نزدیک است. بخشی از سیستم های کناری (نیمه پیشین آن) برای رمزگذاری تجربه ها در حافظه ضروری است. زمانی که کانون هیجانی مغز تحریک می شود، فعالیت های شدیدی در لب های گیجگاهی رخ می دهد. شدت فعالیت های لب ها نیز اثر شدیدی بر هیجان های مغزی دارد. حتی اگر اثر تجربه های معنوی بر لب های گیجگاهی چند ثانیه بیشتر نباشد، کارکرد نیمه پیشین مغز اثر هیجانی ماندگاری در سراسر زندگی فرد می گذارد.

#### هوش معنوی و سلسله مراتب نیازهای انسان

معنویت نه تنها به فعالیت های زیست شناختی و عصب شناختی مربوط نیست، بلکه معنویت به طور کلی برای انسان وجود دارد و یکی از والاترین نیازهای انسان است و نقشی بنیادی و محوری در سلسله مراتب نیازهای انسان بازی می کند. بدین سان نگاه موجود به سلسله مراتب نیازهای انسان شکل (۲-۲) به گونه ای دیگر در گفتار هوش معنوی مطرح می شود (شکل ۲-۳) (شجاعی، ۱۳۸۶).

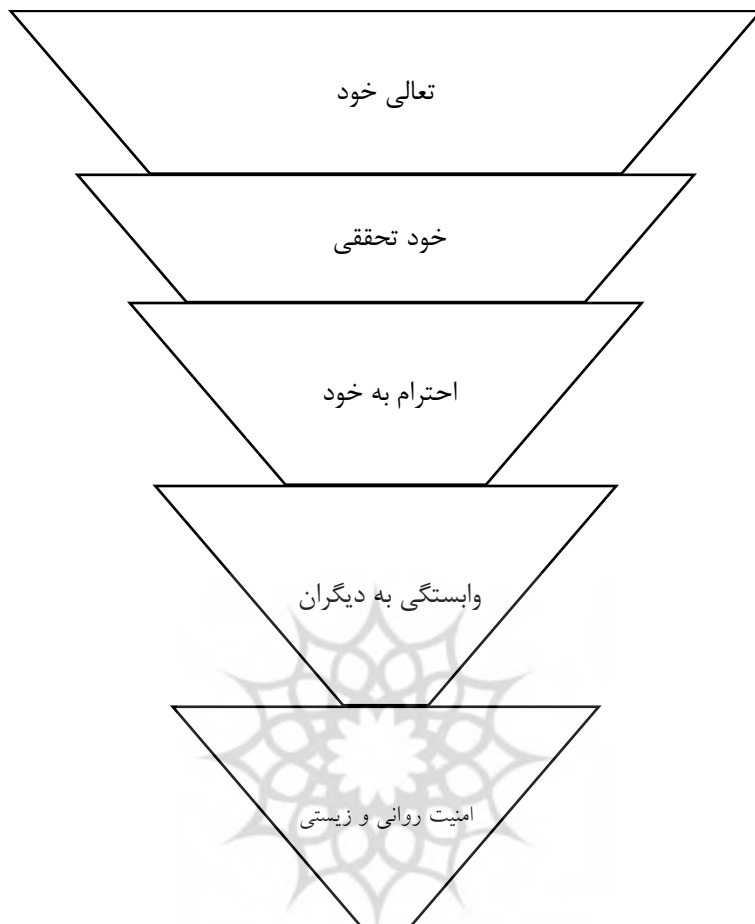
1. Fodor

2- Boyer



شکل ۲: سلسله مراتب نیازهای انسان از دیدگاه مازلو<sup>۱</sup> (۱۹۷۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



شکل ۳: سلسله مراتب نیازهای انسان از دیدگاه هوش معنوی (شجاعی، ۱۳۸۶)

نگاه آمده در شکل (۲)، نگاهی گمراه کننده به نیازهای انسان است. نیازهای روانی و زیستی، بنیادی و بایسته، ولی در حقیقت محدود است. یک فرد می تواند تا اندازه ای بخورد و بنوشد و تا اندازه ای نفس بکشد. به همین گونه، در سطح بعدی، می تواند تنها در یک مکان و زمان مشخص زندگی کند. نیازهای امنیتی فرد و همچنین نیاز به وابستگی، که فرد در این هرم به بالای آن نزدیک می شود، مانند نیاز به خودتحقیق و تعالی خود، عامل های محدود کننده برایش وجود ندارد. به سخن دیگر، نیازهای نوک هرم، با آن که در بالاترین سطح است، نه تنها محدودیتی ندارد، که دامنه آن ها به گستردگی درک آن ها در فرد است. با نگاهی دیگر، انگاره نیازهای انسان را می توان چنان دید که در شکل (۳) آمده است. بدین سان، تربیت هوش معنوی در سازه های بالای هرم (خودتحقیق و تعالی خود) می تواند نشانگر مطلب و مفاهیمی معنادار باشد که می تواند به لحاظ ارتباط و گسترش شان نمودهایی متفاوت در رفتار افراد (به شمار آدمیان) داشته باشد.

به سخن دیگر، در اینجا محدودیت حاکم بر نیازهای سطوح پایین تر رنگ می بازد. روی هم رفته، باید گفت که نیاز به معنا لازمه وجود سلامت روانی است که در همه کارکردهای ذهنی نمایان می شود. این کارکرد مغز که هوش عقلانی، هوش هیجانی و هوش معنوی را با یکدیگر پیوند می دهد. ولی سرانجام، این رشد هوش معنوی است که تلاش می کند تا کل زندگی در زمینه گسترده تری از دنیا جای گیرد و فرد را در بستری از تجربه های مبتنی برشکی یگانه به حرکت وادارد (شجاعی، ۱۳۸۶).

### نتیجه گیری

به نظر می رسد اگر تعاریف هوش معنوی، روش های مختلف دانستن را دربرگیرند، ناقص هستند. در بررسی اخیر رابرت فورمن<sup>۱</sup>، افرادی که دارای سنین مختلفی بودند، معنویت را مفهومی تجربه-ای<sup>۲</sup> می دانستند تا فراعقلی<sup>۳</sup>. تمرین های تأملی مانند مراقبه، به این دلیل که وابسته به آشنایی با سه روش متمایز دانستن است، برای پالایش هوش معنوی مناسب به نظر می رسد. سه روش دانستن عبارتند از:

- (۱) حسی<sup>۴</sup>؛
- (۲) عقلی<sup>۵</sup>؛
- (۳) تأملی<sup>۶</sup>.

به نظر می رسد این سه روش دانستن، بخش جدایی ناپذیری از هوش معنوی هستند که بعضی از افراد نشان می دهند .

آگاهی هشیارانه و سازگاری با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی از جمله عوامل اصلی رشد هوش معنوی تلقی می شوند. علاوه بر این، بعضی از روش ها، راهبردها و تمرین ها برای رشد آن مفید تلقی می شوند. مثلاً وگان معتقد است هوش معنوی از طریق افزایش وسعت نظر و گشودگی و داشتن نقطه نظرهای مختلف، حساسیت زیاد نسبت به تجارب و واقعیاتی نظیر حالت

---

۱. Forman

۲. Experiential

۳. Transrational

۴. Sensory

۵. Rational

۶. Contemplative

تعالی<sup>۱</sup> (ماورایی) و موضوع‌های معنوی، فهم عمیق‌تر نمادها و بازنمایی افسانه‌ها و کهن‌الگوهای ناهشیار کشف نشده افزایش می‌یابد.

هوش معنوی را می‌توان با تمرین‌های مختلف توجه، تغییر هیجان‌ات و تقویت کردن رفتارهای اخلاقی افزایش داد. این تمرین‌ها منحصراً متعلق به یک دین خاص یا آموزش معنوی خاص نیستند. گرچه هوش معنوی با رشد شناختی، هیجانی یا اخلاقی مرتبط است، ولی نمی‌توان آن را با هیچ یک از آن‌ها برابر دانست. از آنجا که هریک از انواع مختلف هوش به میزان متفاوتی رشد می‌کنند، ممکن است در یک فرد یکی از آن‌ها رشد زیادی کند، ولی انواع دیگر رشد چندانی نکرده باشند. زمانی که موضوعات هیجانی یا اخلاقی حل نشده باقی می‌مانند، از رشد معنوی جلوگیری می‌کنند. بلوغ معنوی به عنوان یکی از جلوه‌های هوش معنوی، شامل درجه‌ای از بلوغ هیجانی و بلوغ اخلاقی (روحیه اخلاقی) و رفتار اخلاقی می‌شود و خردمندی و دلسوزی برای دیگران را صرف نظر از جنس، قومیت، سن یا نژاد دربرمی‌گیرد. می‌توان گفت بلوغ معنوی دید عمیق و گسترده‌ای است که با آگاهی همراه است و شامل ارتباط زندگی درونی ذهن با زندگی بیرونی می‌شود.

از سوپی، زوهار و مارشال معتقدند هوش معنوی از طریق جستجوی معنای اصلی موقعیت‌ها، مطرح کردن «چرا» برای مسائل و تلاش برای برقراری ارتباط میان رویدادها رشد می‌کند. همچنین، یادگیری و بازشناسی و گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود باعث افزایش هوش معنوی می‌شود.

خودآگاهی برای افزایش بلوغ معنوی ضروری است. زمانی که توجه مستقیماً متوجه درون است، فرد ممکن است تلاش کند تا به احساس‌های ذهنی و تفکرات خود توجه نماید. درابتدا، فرد ممکن است کاملاً درگیر موضوعات شخصی شود و نتواند ذهنش را حتی برای یک لحظه خالی کند. جذبه مسائل شخصی می‌تواند در صورت تلاش فرد برای تمرکز بر آن‌ها یا پرورش آگاهی بدون انتخاب، منحرف‌کننده باشد. آگاهی از امکان تغییر جهت ارادی توجه، می‌تواند آغازی بر فرآیند کنار گذاشتن عادات فکری پیشین و الگوهای رفتاری باشد. روان‌درمانگران نیز آموزش می‌بینند تا سرگذشت دیگران را با توجه کامل و عدم دخالت خویش شاهد باشند. واضح است هنگامی که با ذهن آرام به دیگری توجه می‌کنیم، در پرتو هوش معنوی، زخم‌های قدیمی التیام می‌یابند و قلب‌ها گشوده می‌شوند. همراهی با دیگران با میانجی‌گری خاموش نیز می‌تواند اثرات درمانی داشته باشد.

۱. Transcendent



ایمونز نتیجه‌گیری می‌کند که هوش معنوی مانند انواع دیگر هوش‌ها، قابل پرورش است. هوشیاری بالای یک فرد، نسبت به رویدادها و تجارب زندگی خود و انطباق پذیری بالای او با آنها به همراه رشد خودآگاهی، ممکن است جهت پرورش هوش معنوی تعیین‌کننده باشد. به علاوه، شماری از تکنیک‌ها، استراتژی‌ها و تمرین‌های ارائه شده است که برای رشد و افزایش هوش معنوی سودمند است. از جمله داشتن یک ذهن باز و عمیق‌نگر، که تحمل عدم قطعیت، تناقضات و ابهامات را دارد و برای رشد هوش معنوی مفید است. در حالی که وجود سیستم اعتقادی انعطاف‌پذیر و بسته‌ممكن است مانع رشد هوش معنوی در افراد شود. در صورتی که هوش معنوی به خوبی رشد یابد، ویژگی‌هایی از جمله اصالت، درستی، فروتنی، مهربانی، سخاوت، مدارا (بردباری)، انعطاف‌پذیری و تمایل به کمک کردن به دیگران در هنگامی که نیاز دارند، ظهور می‌یابد.

تحقیقات نشان داده است که بین فرآیندهای شخصیتی و هوش ارتباط وجود دارد. بنابراین، احتمال دارد که ویژگی‌های شخصیتی افراد با هوش معنوی آن‌ها مرتبط باشد. لذا، برخی ویژگی‌های شخصیتی در مقایسه با سایر ویژگی‌ها، ارتباط بیشتری با هوش معنوی دارد. از جمله ویژگی‌هایی که در هوش معنوی رشد یافته دیده می‌شود عبارتند از: اخلاقیات، بی‌تعصبی، مسئولیت‌پذیری، مهربانی و ماهیت استوار. با این حال، معنویت ممکن است باعث ایجاد بعد خاصی از شخصیت شود. از همین رو، مک‌هووک بیان کرده است که هوش معنوی ممکن است به عنوان ویژگی شخصیتی خاصی در نظر گرفته شود که میزان و نحوه بروز آن در افراد متفاوت است.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- افکاری، زهرا؛ سجادی زاده، ریحانه سادات. (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی و امید به زندگی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. دومین کنفرانس ملی روان شناسی و علوم رفتاری، تهران، موسسه اطلاع رسانی نارکیش.
- اکبری، محمود. (۱۳۹۳). غم و شادی در سیره معصومین (ع). قم: نشر فتیان.
- باقر پور، معصومه؛ عبدالله زاده، حسن؛ بوژمهرانی، سمانه؛ لطفی، محدثه. (۱۳۸۹). هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن). تهران: نشر روان سنجی.
- بالجانی، اسفندیار؛ خشابی، جواد؛ امان پور، الهام؛ عظیمی، ندا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان. مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۷ (۳): ۲۷-۳۷.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۸). روان شناسی سیاسی. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- بیرامی، منصور؛ محمد پناه اردکان، عذرا؛ فاروقی، پریا؛ قانعی، مهدی. (۱۳۹۴). پیش بینی اضطراب مرگ بر اساس هوش معنوی در تعدادی از دانشجویان و طلبه های حوزه علمیه اردکان و میبد. فصل نامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۵ (۱): ۲۱-۳۷.
- پور کیانی، مسعود؛ اشجعی، احمد. (۱۳۹۱). هوش معنوی و کارکردهای آن. کرمان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
- حسن زاده، رمضان. (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق). تهران: نشر ساوالان.
- رجایی، علیرضا. (۱۳۸۹). هوش معنوی: دیدگاه ها و چالش ها. پژوهش نامه تربیتی، ۵ (۲۲): ۲۱-۴۹.
- ساغروانی، سیما. (۱۳۸۸). هوش معنوی (بعد ناشناخته بشر). تهران: نشر آهنگ قلم.
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. فصلنامه سلامت روان، ۱ (۱): ۱۸-۱۴.
- شایان مهر، علی رضا. (۱۳۹۱). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- شجاعی، محمد صادق. (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو. دو فصل نامه مطالعات اسلام و روان شناسی، ۱ (۱): ۱۱۶-۸۷.
- شمسایی، مهدی. (۱۳۹۲). شادی و نشاط. تهران: نشر شهر.
- عبدالله زاده، حسن؛ کشمیری، مهدیه؛ عرب احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه هوش معنوی. تهران: نشر روان سنجی.

- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی. فصل نامه اندیشه نوین دینی، ۳ (۱۰): ۱۴۷-۱۲۵.
- نصیری، حبیب اله؛ جوکار، بهرام. (۱۳۸۷). معنا داری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان (گروهی از زنان شاغل فرهنگی). فصل نامه پژوهش زنان، ۶ (۲): ۱۷۶-۱۵۷.
- نوربخش، امین؛ مولوی، حسین. (۱۳۹۴). رابطه هوش معنوی و باورهای مذهبی با احساس حقارت و خشونت در دانشجویان. فصل نامه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۱۶ (۱): ۱۲-۴.
- یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان. فصل نامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۴ (۹): ۹۵-۸۵.

#### ب) منابع لاتین

- Alam, S. S., Mohd, R., Hisham, B. (2011). Is religiosity an important determinant on Muslim consumer behaviour in Malaysia? *Journal of Islamic Marketing*, 2 (1) : 83-96.
- Amram, Y. (2007). *The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory*. Paper Presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- Fredrickson, B. (2002). *Positive Emotions*. New York: Axford University.
- Holder, M. D., B. Coleman, B., Wallace, J. M. (2010). Spirituality, Religiousness, and Happiness in Children Aged 8-12 Years. *Journal of Happiness Studies*, 11 (2) : 131-150.
- Jahani, A., Rejeh, N., Heravi-Karimooi, M., Hadavi, A., Zayeri, F., Khatooni, A. R. (2013). The Relationship Between Spiritual Health and Quality of Life in Patients with Coronary Artery Disease. *Islamic Life Center Health*, 1 (2) : 17-21.
- Khalatbari, J., Nazemi Zand, N. (2015). The Relationship between Spiritual Intelligence and Meta-Cognitive Beliefs with Life Expectancy in Patients with MS. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*, 4 (10) : 586-590.